

---

بازآفرینی ادبیات داستانی ایران در ادبیات  
دراماتیک جهان با نگاه ویژه به قاضی حمص،  
دیوان بلخ و دلپاتس (سندباد نامه) در تاجر  
ونیزی ویلیام شکسپیر

■ محمدرضا شهبازی [نویسنده مسؤول]

■ سمیه آورند

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹

---

---

بازآفرینی ادبیات داستانی ایران در ادبیات  
دراماتیک جهان با نگاه ویژه به قاضی حمص،  
دیوان بلخ و دُلپاتس (سندباد نامه) در تاجر  
ونیزی ویلیام شکسپیر

محمدرضا شهبازی | استادیار گروه هنرهای نمایشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

سمیه آورند | دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

---

### چکیده

ادبیات کلاسیک ایران در طول سالیان و قرن‌های متوالی، باعث تحول در ادبیات جهانی شده و همواره از سوی بسیاری از نویسندگان در سطح جهانی مورد استقبال و اقتباس قرار گرفته است. بنابر نظریه بینامتنی، متون نه تنها از گذشته خود جدا نیستند بلکه با مناسبات فرهنگی و ادبی گذشته نیز درگیرند. به عبارت دیگر متن در خلأ به وجود نمی‌آید بلکه آن را در درون یک متن بزرگ‌تر مطالعه می‌کنیم. در این راستا بررسی ادبیات داستانی ایران در ادبیات دراماتیک جهان، جایگاه الگوپذیری از ساختار و محتوا را مطرح کرده است. حال با توجه به قدمت تاریخی و تمدنی ادبیات داستانی ایران، در این پژوهش، نقش ادبیات داستانی ایران بر تفکر و شیوه پرداخت شکسپیر در تاجر ونیزی و تأثیر بر او بررسی شده است. این پژوهش به روش توصیفی کیفی و تحلیل محتوا صورت گرفته و یافته‌هایش حاکی از آن است که تاجر ونیزی اثری از ویلیام شکسپیر نوعی اقتباس و بازآفرینی از داستان قاضی حمص یا همان دیوان بلخ، از داستان‌های شفاهی ایران، بوده که بعدها توسط صبحی مهتدی مکتوب شده است.

### واژگان کلیدی:

بازآفرینی، ادبیات داستانی ایران، ادبیات دراماتیک جهان، تاجر ونیزی، قاضی حمص، بینامتنیت